

مقدمه

قرآن کریم کتابی است که از سوی خداوند توسط جبرئیل امین بر آخرین و برترین پیامبر برگزیده‌اش حضرت محمد بن عبدالله (ص) وحی و نازل گردید. این کتاب شریف حاوی دستورات و سفارشات جامع برای زندگی انسانی و به عبارت دیگر کتابی برای انسان‌سازی و راهنمایی بشر به سوی کمال و وصول حقیقت است.

قرآن کامل‌ترین کتاب آسمانی خداوند است که برای تمام بشر تا قیامت فرستاده شده لذا سرشار از اعجاز و نکات مختلفی است که برای همه جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها مفید است. وجه نام‌گذاری این کتاب مقدس به قرآن، آن است که این کتاب، جامع فوائد و آثار تمامی کتاب‌های آسمانی است بلکه جامع آثار تمامی علوم است.

خداوند دو وظیفه اصلی و مهم برای مسلمانان نسبت به کتاب الهی بیان کرده است. خداوند در آیه ۶۳ سوره بقره می‌فرماید: «حُدُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ» آنچه به شما داده شده را با قوت بگیرید این گرفتن باید به دو شکل علمی و عملی باشد. یعنی تدبیر و فهم دقیق و عمیق و عمل درست و کامل به آن است. هدف نهایی نزول قرآن، انسان‌سازی و تربیت بشر است، بنابراین منظور از «جامع» تمام اموری است که انسان برای پیمودن راه تکامل به آنها نیاز دارد. اموری که تمامی جنبه‌های مادی، معنوی، فردی و اجتماعی او را در برمی‌گیرد.

بهترین و بیشترین حمایت از اسلام و قرآن، معرفی صحیح و همه‌جانبه اسلام است؛ به ویژه اصل محبت که اساس دین اسلام است و اخلاق عظیم پیامبر که الگوی کامل و تجسم تام اعجاز قرآن است. وظیفه ماست که بیش از پیش اسلام و قرآن و تعالیم ائمه معصومین (ع) را بشناسیم و آن را بشناسانیم و با اجتهاد و تدبیر و تفکر در قرآن و تفاسیر جدید و به روز از این مفاهیم و تعالیم، بتوانیم بهره‌گیری کنیم و استفاده خویش از آنها را تعالی بخشیم. در این کتاب سعی شده است به گوشه‌ای از مفاهیم و تعالیم قرآن اشاره شود. ان‌شاءالله که مورد رضایت شما خواننده گرامی واقع گردد.

کلامی از امام خمینی (ره) درباره قرآن

انگیزه بعثت، نزول وحی است و نزول قرآن است و انگیزه تلاوت قرآن بر بشر این است که تزکیه پیدا بکنند و نفوس مصفا بشوند از این ظلماتی که در آنها موجود است. (صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۳۸۸)

مادامی که انسان در حجاب خود هست نمی‌تواند این قرآن را که نور است و به حسب فرمایش خود قرآن نور است، نور را کسانی که در حجاب هستند و پشت حجاب‌های زیاد هستند نمی‌توانند ادراک کنند، گمان می‌کنند که می‌توانند لکن نمی‌توانند، تا انسان از حجاب بسیار ظلمانی خود خارج نشود، تا گرفتار هواهای نفسانی است. تا گرفتار خودبینی‌هاست، تا گرفتار چیزهایی است که در باطن نفس خود ایجاد کرده است از ظلماتی که بعضی‌ها فوق بعض است لیاقت پیدا نمی‌کند [انسان] که این نور الهی در قلب او منعکس بشود. کسانی که بخواهند قرآن را بفهمند و محتوای قرآن را، نه صورت نازل کوچکش را، محتوای قرآن را بفهمند و طوری باشد که هرچه قرائت کنند بالا بروند و هر چه قرائت کنند به مبدأ نور و مبدأ اعلی نزدیک شوند این نمی‌شود الا اینکه حجاب‌ها برداشته بشود. و «تو خود حجاب خودی» باید از میان برداری این حجاب را تا بتوانی این نور را به آنطور که هست و انسان لایق است برای ادراک او، ادراک کند. (همان، ج ۱۴، ص ۳۸۸ - ۳۸۹)

قرآن یک سفره‌ای است که انداخته شده است برای همه طبقات، یعنی یک زبانی دارد که این زبان هم زبان عامه مردم است. و هم زبان فلاسفه است. و هم زبان عرفای اصطلاحی است و هم زبان اهل معرفت به حسب واقع. (همان، ج ۱۴، ص ۴۰۸ - ۴۰۹)

این کتاب عزیز در محیطی و عصری نازل شد که تاریک‌ترین محیط و عقب افتاده‌ترین مردم در آن زندگی می‌کردند و به دست کسی و قلب الهی کسی نازل شد که زندگی خود را در آن محیط ادامه می‌داد و در آن حقایق و معارفی است که در جهان آن روز - چه رسد به محیط نزول آن - سابقه نداشت و بالاترین و بزرگ‌ترین معجزه آن همین است. آن مسائل بزرگ عرفانی که در یونان و نزد فلاسفه آن سابقه نداشت و کتب ارسطو و افلاطون بزرگ‌ترین فلاسفه آن عصرها از رسیدن به آن عاجز بودند، و حتی فلاسفه اسلام که در مهد قرآن کریم بزرگ شدند و از آن استفاده‌ها نمودند به آیاتی که صراحت زنده بودن همه موجودات جهان را ذکر کرده، آن آیات را تأویل می‌کنند، و عرفای بزرگ اسلام که از آن ذکر می‌کنند همه از اسلام اخذ نموده و از قرآن کریم گرفته‌اند، و مسائل عرفانی به آن نحو که در قرآن کریم است در کتاب دیگر نیست (همان، ج ۱۶، ص ۲۰۹ - ۲۱۰)

در قرآن کریم این سرچشمه فیض الهی تدبیر کن هرچند صرف خواندن آن که نامه محبوب است به شنونده محبوب آثاری دلپذیر دارد، لکن تدبیر در آن انسان را به مقامات بالاتر و والاتر هدایت می‌کند.

أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا (سوره محمد - آیه ۲۴)

[آیا در قرآن تدبیر و تأمل نمی‌کنند یا بر دل‌های‌شان قفل‌ها خورده است].

و تا این قفل و بندها باز نگردد و به هم نریزد، از تدبّر آنچه نتیجه است حاصل نگردد. (همان، ج ۱۸، ص ۴۴۶)

امیدوارم که ان شاء الله ما فقط قرآن نخوانیم و تفسیر نخوانیم، و باورمان بیاید مسائل، و هر کلمه‌ای که از قرآن می‌خوانیم به طور باور [باشد]. قرآن [کتابی است که می‌خواهد آدم درست کند، می‌خواهد یک موجودی را بسازد. یک موجودی را که خودش ایجاد کرده است و با اسم اعظم ایجاد کرده با «الله» می‌خواهد از این مرتبه ناقصی که هست او را برساند به آن مرتبه‌ای که لایق اوست. و قرآن برای این آمده است همه انبیا هم برای این آمده‌اند، همه انبیا آمده‌اند برای این که دست انسان را بگیرند و از این چاه عمیقی که در آن افتاده است - آن چاهی که از همه عمیق‌تر است چاه نفسانیت انسان است - درآورند. (امام خمینی، تفسیر سوره حمد، ص ۱۱۳ - ۱۱۲)

امام خمینی فرمودند: قرآن کتاب آدم سازی است، برای آدم ساختن آمده است. (امام خمینی، صحیفه نور، ج ۷، ص ۵۳۲)

نکته‌های جذاب قرآنی

گروهی از افراد، علاقه دارند مشخصات و اطلاعات آماری در خصوص قرآن داشته باشند، پس بر آن شدیم تا نسبت به این خواسته برخی از قرآن‌دوستان، مطلبی را ارائه بدهیم.

- قرآن دارای ۳۲۳۶۷۱ حرف است.
- قرآن دارای ۷۷۷۰۱ کلمه است.
- قرآن دارای ۶۲۳۶ آیه است.
- قرآن دارای ۱۱۴ سوره است.
- قرآن دارای ۳۰ جزء است.
- قرآن دارای ۱۲۰ حزب است.
- ۵۰۹۸ محل وقف در قرآن وجود دارد.
- ۱۷۷۱ مد در قرآن وجود دارد.
- ۱۰۱۵۰۳۰ نقطه در قرآن وجود دارد.
- ۳۹۵۸۶ کسره در قرآن وجود دارد.
- ۹۳۲۴۳ فتحه در قرآن وجود دارد.
- ۴۸۰۴ ضمه در قرآن وجود دارد.
- ۳۲۷۲ همزه در قرآن به کار رفته است.
- ۱۹۲۵۳ تشدید در قرآن به کار رفته است.

سوره‌های گروهی:

* سوره‌هایی که با حروف مقطعه «حم» آغاز شده‌اند (مؤمن، فصلت، زخرف، شوری، احقاف، دخان و جائیه) را حوامیم نامیده‌اند.

* سوره‌های حمد، انعام، کهف، سبأ و فاطر را حامدات می‌گویند.

* سوره‌های فتح، سجده، حشر، طلاق، ن و القلم، حجرات، تبارک، تغابن، منافقون، جمعه، صف، جن، نوح، مجادله، ممتحنه و تحریم را ممتحنات می‌گویند.

* سوره‌های حدید، حشر، صف، جمعه، تغابن به مسبّحات معروفند.

* سوره‌هایی که دارای سجده‌ی واجب هستند را عزائم می‌گویند. (فصلت، نجم، علق، سجده)

* سوره‌های اسراء، کهف، مریم، طه و انبیا را عتاق نامیده‌اند.

* به سوره‌های شعراء، نمل و قصص، طواسین می‌گویند.

* به سوره‌های بقره و آل عمران، زهروان می‌گویند.

* به سوره‌های انفال و توبه، قرینتین می‌گویند.

* به سوره‌های فلق و ناس، مُعَوِّذَتَيْن می‌گویند.

* پنج سوره از قرآن که با کلمه‌ی «قل» آغاز می‌شوند (جن، کافرون، اخلاص، فلق و ناس) را مقولات نامیده‌اند.

* سوره‌هایی که با واژه‌ی إِذَا آغاز شده‌اند را زمانیه نامیده‌اند.

* سوره‌هایی که با تسبیح شروع می‌شوند، به عروس‌های قرآن معروفند.

* سوره‌هایی که با «الم» آغاز شده‌اند را بساتین قرآن نامیده‌اند.

اسامی و القاب قرآن:

* کدام آیه را آیه‌ی صلوات می‌گویند؟ آیه‌ی ۵۶ سوره‌ی احزاب.

* به کدام آیه، آیه اکمال‌الدین می‌گویند؟ آیه ۳ سوره‌ی مائده.

* کدام آیه معروف به آیه شهادت است؟ آیه ۱۸ سوره‌ی آل عمران.

* کدام آیه قرآن را آیه مباحله نامیده‌اند؟ آیه ۶۱ سوره‌ی آل عمران.

* کدام آیه، به آیه‌ی تبلیغ، مشهور شده است؟ آیه ۶۷ سوره مائده.

* کدام آیه را سید آیه‌های قرآن نامیده‌اند؟ آیه‌الکرسی.

* کدامیک از آیات را آیه حجاب نامیده‌اند؟ آیه ۳۱ سوره نور.

* کدام آیه به آیه‌ی امانت معروف است؟ آیه ۷۲ سوره احزاب.

* کدام آیه به آیه لیلۃ‌المبیت معروف شده است؟ آیه ۲۰۷ سوره بقره.

* کدام آیه را آیه‌الکرسی نامیده‌اند؟ آیه ۲۵۵ سوره بقره.

* کدام آیه به آیه‌ی مودت مشهور شده است؟ آیه ۲۳ سوره شوری.

* کدام آیه به آیه‌ی تطهیر معروف است؟ آیه ۳۳ سوره احزاب.

* کدام آیه را دعای سواران نامیده‌اند؟ بخشی از آیه ۱۳ و ۱۴ سوره زخرف.

* به کدام آیه قرآن آیه‌ی دین می‌گویند؟ آیه ۲۸۲ سوره بقره.

* به کدام آیه، آیه‌ی استرجاع می‌گویند؟ آیه ۱۵۶ سوره بقره.

* آیه میثاق، کدام آیه است؟ آیه ۱۷۲ سوره اعراف.

* کدام آیه را آیه ولایت نامیده‌اند؟ آیه ۱۵۵ سوره مائده.

* به کدام آیه، آیه‌ی تفکر می‌گویند؟ آیه ۱۹۱ سوره آل عمران.

* کدام آیه قرآن، آیه محارم است؟ آیه ۲۳ سوره نسا.

* کدام آیه را آیه احسان نامیده‌اند؟ آیه ۱۳۴ سوره آل عمران.

* آیه حرمت غیبت، کدام آیه است؟ آیه ۱۲ سوره حجرات.

* کدام آیه را آیه عزت نامیده‌اند؟ آیه ۱۱۱ سوره اسراء.

- * آیه مشهور نور، کدام آیه است؟ آیه ۳۵ سوره نور.
- * آیه قصاص در کدام سوره قرار گرفته است؟ سوره بقره آیه ۱۷۸.
- * کدام آیه به شق القمر معروف است؟ آیه ۱ سوره قمر.
- * آیه استعاذه در کدام سوره قرار گرفته است؟ سوره نحل آیه ۹۸.

اطلاعاتی از قرآن

عروس قرآن - سوره الرحمن

بزرگترین سوره - سوره بقره

بزرگترین آیه - بقره ۲۸۲

کلمه وسط قرآن - وَلِيَتَلَطَّفَ (سوره كهف - آیه ۱۹)

بزرگترین کلمه قرآن - فَاسْقِينَاكُمُوهُ (سوره حجر - آیه ۲۲)

اولین سوره که نازل شد - علق

تعداد بسم الله قرآن - ۱۱۴

سجده‌های واجب قرآن(۴) آیه و مستحب(۱۱) آیه است

سوره‌ای فاقد حرف(ف) - سوره حمد

سوره‌ای که همه آیاتش الله دارد - سوره مجادله

قلب قرآن - سوره یس

کوچکترین سوره - سوره کوثر

کوچکترین آیه - طه

آخرین سوره که نازل شد - نصر

تعداد کلمات قرآن - ۷۷۴۳۷

تعداد آیات قرآن - ۶۲۳۶

تعداد حروف مقطعه - ۷۱ (در آغاز ۲۹ سوره)

مهمترین آیه قرآن - آیه الكرسي

سوره‌ای فاقد حرف (م) - کوثر

عدالت‌آمیزترین آیه - إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ

ترس‌آورترین آیه - فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ

فرمول تعیین جزء قرآن و صفحه آن

یک فرمول جالب برای این که بدانیم فلان جزء قرآن از کدام صفحه شروع می شود. تا حالا شده لازم شود بدانید هر جزء قرآن از کدام صفحه شروع می شود؟

دقت کنید!

فرض کنید می خواهیم جزء ۸ را ببینیم از کدام صفحه قرآن شروع می شود.

از ۸ یک عدد کم می کنیم

می شود ۷، حالا ۷ را ضرب در ۲ می کنیم می شود ۱۴

حالا ۲ را می گذاریم کنار ۱۴

می شود، ۱۴۲

پس جزء ۸ از صفحه ۱۴۲ شروع می شود.

به همین راحتی.

حالا یکی دیگر را امتحان کنیم:

مثلا جزء ۲۱

$$21 - 1 = 20$$

$$20 \times 2 = 40$$

۴۰۲

پس جزء ۲۱ از صفحه ۴۰۲ شروع می شود.

۲۰۰ نکته قرآنی

سراسر قرآن نکته است...

۱ - تقوا و عاقبت بخیری

قرآن کریم در ابتدای سوره بقره می‌فرماید:

الم ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ (سوره بقره - آیات ۱ و ۲)

(الف لام میم) آن کتاب (با عظمت که) در (حقانیت) آن هیچ تردیدی راه ندارد راهنمای پرهیزکاران است.

همین اول کار، خدا می‌فرماید: این قرآن، اهل تقوا را هدایت می‌کند.

سؤال:

مگر ما نمی‌گوییم قرآن برای هدایت همه انسان‌ها آمده است: مسلمان و غیر مسلمان.

پس چرا اینجا می‌فرماید این قرآن فقط متقین را هدایت می‌کند؟!

جواب:

از این آیه معلوم می‌شود که، قبل از ایمان و دینداری هم می‌شود تقوا داشت.

یعنی می‌شود مسلمان نبود، ولی تقوا داشت. البته «تقوای عمومی».

چون ما دو نوع تقوا داریم: «تقوای عمومی» و «تقوای مؤمنانه».

۱ - «تقوای عمومی» یعنی اینکه شخص، حتی ایمان هم ندارد، اما اهل مراقبت هست. اهل حساب و کتاب

هست. در زندگیش ضابطه حاکم هست. اگر جایی سخن درستی بشنود، عمل می‌کند.

درست است که این شخص، خدا و دستور خدا را نمی‌شناسد، ولی وجدانش بیدار است، و اخلاقیات را

درک می‌کند.

دین ندارد، ولی خوبی‌ها را می‌فهمد، و عمل می‌کند.

چنین شخصی، اگر با قرآن برخورد داشته باشد، قرآن هدایتش می‌کند، و دستش را می‌گیرد.

بسیاری از افرادی که در دنیا می‌شنویم، یک صفحه از قرآن را خواندن، یا یک آیه قرآن را شنیدن، و مسلمان

شدند، از این دسته از افراد هستند.

۲ - «تقوای مؤمنانه» یعنی اینکه شخص ایمان دارد و مسلمان هست، و در عین حال تقوا هم دارد. چنین شخصی، وقتی به قرآن می‌رسد، این تقوا کمکش می‌کند، و ایمانش را قوی‌تر می‌کند، و باعث هدایت بیشترش می‌شود.

اما اگر کسی مسلمان باشد، ولی تقوا نداشته باشد، این ایمان به دردش نمی‌خورد، و عاقبت بخیر نمی‌شود. چون خود قرآن می‌فرماید:

وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ (سوره قصص - آیه ۸۳)

و عاقبت نیک برای پرهیزکاران است.

پس یادمان باشد.

اولین درس سوره بقره این است که:

قرآن کریم، فقط متقین را هدایت می‌کند:

هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ

۲ - قلب مریض

اگر انسان مریض خوشمزه‌ترین غذاها را هم بخورد، طعم و مزه آنها را نمی‌فهمد، و از غذا خوردن لذتی نمی‌برد.

در مسائل معنوی و عبادت هم همینطور است.

خداوند در قرآن می‌فرماید:

فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ (سوره بقره - آیه ۱۰)

در دل‌های آنان (منافقان) بیماری است، پس خداوند هم بر بیماری آنان بیافزاید و برای ایشان عذابی دردناک است به سزای آنکه (در اظهار ایمان) دروغ می‌گویند.

کسی که قلب مریض دارد، یا به تعبیر قرآن: فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ

چنین آدمی از عبادت لذتی نمی‌برد، بلکه خسته هم می‌شود.

حالا مرض و بیماری قلب چیست؟!

«گناه»

تا وقتی که انسان گناه را ترک نکند، علاوه بر این که از عبادت لذتی نمی‌برد، بلکه خسته هم می‌شود.

اگر این مرض قلب را درمان نکنیم، مثل مریضی‌های دنیایی، مریضی رشد می‌کند و روز به روز حال‌مان

بدتر می‌شود فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا

و در نهایت کار به به جایی می‌رسد، که دیگر خوب شدنی در کار نیست.

وَ أَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادْنَاهُمْ رِجْسًا إِلَىٰ رِجْسِهِمْ وَ مَا تَوَّأَوْا وَ هُمْ كَافِرُونَ (سوره توبه - آیه ۱۲۵)

و اما آنانی که در دل‌های‌شان بیماری است، پلیدی بر پلیدی آنان افزاید، و در حال کفر بمیرند.

اگر به گناه گرفتاریم، همین الان ترک کنیم.

تا حال‌مان بدتر نشده توبه کنیم و برگردیم.

۳ - هیزمی از جنس مردم

قرآن کریم درباره آتش جهنم می‌فرماید: آتش جهنم، از وجود مردمان و از سنگ است!

فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ (سوره بقره - آیه ۲۴)

پس بپرهیزید از آتشی که هیزم آن، از مردم (گناهکار) و از سنگ‌ها هستند!

وَقُودٌ يَعْنِي هِيزَمٌ

هیزم جهنم، مردم هستند.

ناس به معنی انس و تمایل؛ کنایه از حُبّ و شهوت، و حجاره به معنی سختی و دفع؛ کنایه از بغض و غضب است.

ما این آتش را هر روز حس می‌کنیم و با آن بالا و پایین می‌رویم!

زبان و رفتار و کردار و گفتار بسیاری از ما، پر از خشونت است و مثل آتش سوزنده است. هر روز با زبان‌مان دیگران را می‌سوزانیم.

در این دوره و زمانه، کمتر کسی پیدا می‌شود که اهل نرمی و مدارا باشد.

سنگ هم در این آیه، نماد سختی و خشونت هست.

اگر خوب به این آیه دقت کنیم، می‌بینیم که خداوند بخشنده و مهربان چنین آتش جهنمی را خلق نکرده. اصلاً چنین چیزی با ذات این خدای مهربان سازگار نیست.

این آتش را خودمان درست می‌کنیم.

این آتش از اندیشه و عملکرد ماست، از سختی قلب‌های ماست.

هیچ خدای شکنجه‌گری وجود ندارد. شکنجه‌گری کار ما انسانهاست. کار خدا نیست. خدا از این کار لذت نمی‌برد. نیازی هم به چنین کاری ندارد.

این ما هستیم که با نوع نگاه‌مان به زندگی، شکنجه‌گر می‌شویم.

جهنم را خودمان درست می‌کنیم.

ما باید یاد بگیریم که چطور، هر روز از بین آتشی که هیزمش انسان‌های سخت و پر خشونت هستند، عبور

کنیم، و با آتش آنها نسوزیم، و خودمان هم بخشی از آن هیزم نشویم.

۴ - وفای به عهد

بعضی‌ها می‌پرسند: چرا بسیاری از دعا‌های ما مستجاب نمی‌شود؟!

یکی از دلایلش این است که خداوند می‌فرماید:

وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ (سوره بقره - آیه ۴۰)

و به پیمانی که با من بسته‌اید وفا کنید، تا من (نیز) به پیمان شما وفا کنم.

کدام عهد و پیمان؟!

ما چه پیمانی بستیم؟!

عهد خداوند که اجابت دعاست؛

أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ (سوره غافر - آیه ۶۰)

مرا بخوانید تا (دعای) شما را اجابت کنم.

خداوند در سوره یس، این عهد و پیمان را نیز بیان کرده است:

أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ (سوره یس - آیه ۶۰)

آیا با شما عهد نکردم ای فرزندان آدم! که شیطان را پرستش نکنید که همانا او برای شما دشمنی آشکار است؟

خداوند می‌فرماید:

بنده من، تو گناه نکن، از شیطان پیروی نکن، روی عهدهت بمان! من خدا هم به عهدم عمل می‌کنم، قول می‌دهم!

اینکه خیلی‌ها می‌گویند چرا دعاهای ما مستجاب نمی‌شود؟

جوابش خیلی ساده است:

تو به حرف خدا گوش کن، تا خدا هم به حرف تو گوش کند.

تو مطیع خدا باش، تا خدا هم دعاهايت را مستجاب کند.

۵ - حق را با باطل خراب نکنیم

خیلی اوقات ما چیزهای حق و پاکی را که داریم، با چیزهای باطل و ناپاک قاطی می‌کنیم، و آن را ضایع می‌کنیم، و خراب می‌کنیم.

قرآن می‌فرماید:

حیف است، این کار را نکنید.

حق را با باطل خراب نکنید.

وَلَا تَلْبَسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ (سوره بقره - آیه ۴۲)

و حق را با باطل نپوشانید.

یعنی چیزی که حق و پاک است را، با چیزی که باطل و ناپاک است، قاطی نکنید، و خراب نکنید.

یکی از دلایلی که ما درجا می‌زنیم همین است. چیزهای حق را، با باطل قاطی می‌کنیم. به عبارت دیگر کارهای خوب‌مان را با کارهای بد خراب می‌کنیم.

نماز می‌خوانیم، اما دروغ هم می‌گوییم.

روزه می‌گیریم، اما غیبت هم می‌کنیم.

شب، روزه امام حسین می‌رویم، اما بعد از هیئت به نامحرم هم نگاه می‌کنیم.

قرآن می‌خوانیم، اما در فضای مجازی با نامحرم چت هم می‌کنیم.

حرم امام رضا(ع) می‌رویم، اما با حجاب نامناسب زیارت‌مان را ضایع می‌کنیم.
صبح جمعه دعای ندبه می‌رویم، اما شب جمعه عروسی مختلط هم می‌رویم.
از محرومین دستگیری می‌کنیم، اما با پدر و مادرمان تندی هم می‌کنیم.
و این داستان ادامه دارد...

همه این کارها مصداق آمیختن حق با باطل است.
یادمان باشد:

یک دیگ بزرگ، پر از غذاهای خوب و خوشمزه، اگر یک ذره نجاست در آن بیفتد، همه‌اش را خراب می‌کند.

این همه اعمال انجام می‌دهیم، اما به هیچ جا نمی‌رسیم. چون در اعمالمان نجاست است.
اعمالمان را پاکیزه نگه داریم.

۱ - خوردن، مسئولیت دارد

یکی از دستورات قرآن، که بدون استثناء، همه‌ی ما به آن عمل می‌کنیم دستور خوردن است:
"كُلُوا" بخورید.

همه‌ی ما این قسمت آیه را بلد هستیم و به آن عمل می‌کنیم:
"كُلُوا وَاشْرَبُوا..." بخورید و بیاشامید.

اما یادمان باشد که از نظر قرآن، خوردن مسئولیت دارد.
در قرآن چندین بار دستور "كُلُوا" آمده، ولی هیچ کجا نمی‌گوید بخورید، و بروید دنبال کارتان.
هر کجا گفته بخورید، بعدش از ما یک چیزی خواسته است.
با هم چند تا از این آیات را مرور کنیم.

دقت کنید!

در بسیاری از این آیات، روی حلال و طیب بودن رزق و روزی هم تأکید شده است:

كُلُوا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (سوره بقره - آیه ۶۰)

از روزی الهی بخورید و بیاشامید و در زمین، تبه‌کارانه فساد نکنید.

كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ (سوره بقره - آیه ۱۶۸)

از آنچه در زمین، حلال و پاکیزه است بخورید و از گام‌های شیطان، پیروی نکنید.
بخورید، ولی بعدش دنبال شیطان راه نیفتید.

كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ (سوره بقره - آیه ۱۷۲)

از نعمت‌های پاکیزه‌ای که به شما روزی داده‌ایم بخورید و شکر خدا را بجا آورید.
بخورید، ولی شکر خدا را بجا بیاورید.

كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ (سوره مائده - آیه ۸۸)

از نعمت‌های حلال و پاکیزه‌ای که خداوند به شما روزی داده، بخورید و تقوا داشته باشید.

بخورید، ولی تقوا هم داشته باشید؛ و خدا ترس باشید.

كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا (سوره اعراف - آیه ۳۱)

بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید.

كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ لَا تَطْغَوْا فِيهِ (سوره طه - آیه ۸۱)

بخورید از روزی‌های پاکیزه‌ای که به شما دادیم، ولی در آن طغیان نکنید.

فَكُلُوا مِنْهَا وَ اطْعِمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ (سوره حج - آیه ۲۸)

(و هنگامی که قربانی کردید) پس از گوشت آنها بخورید، و بینوای فقیر را نیز اطعام نمائید.

بخورید، ولی فقرا را یادتان نرود، آنها را هم اطعام کنید.

كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ اعْمَلُوا صَالِحًا (سوره مؤمنون - آیه ۵۱)

از غذاهای پاکیزه بخورید و عمل صالح انجام دهید.

بخورید، ولی کار نیکو هم انجام بدهید.

حتی قرآن می‌فرماید، ما به زنبور عسل وحی کردیم:

كُلِي مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْئَلِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلًا (سوره نحل - آیه ۶۹)

از همه میوه‌ها بخور، پس راه‌های پروردگارت را خاضعانه طی کن.

از شیر گل‌ها بخور، ولی راه پروردگارت را طی کن.

یعنی خوردن، برای حیوانات هم مسئولیت دارد.

حالا جا دارد که بگوییم، آدم‌هایی که رزق و روزی خدا را می‌خورند، و از زیر بار مسئولیت شانه خالی

می‌کنند، از حیوانات هم کمتر هستند.

از این به بعد، هر وقت خواستیم غذا بخوریم، با دقت بیشتری بخوریم.

با هر غذا خوردنی، یک مسئولیتی روی دوش مان داریم.

۷ - واجب ترین واجبات بعد از توحید

در چهار سوره از قرآن مجید نیکی به والدین بلافاصله بعد از توحید قرار گرفته. هم ردیف بودن این دو

مسئله یعنی اسلام تا چه حد برای پدر و مادر احترام قائل است. احسان به والدین در کنار توحید و اطاعت

از خداوند آمده است تا نشان دهد این کار، هم واجب عقلی و وظیفه انسانی است، هم واجب شرعی است.

۱. سوره بقره آیه ۸۳: **لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا**

جز خداوند یگانه را پرستش نکنید و به پدر و مادر نیکی کنید.

۲. سوره نساء آیه ۳۶: **وَ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ لَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا**

و خدا را بپرستید و هیچ چیز را شریک او قرار ندهید و به پدر و مادر نیکی کنید.

۳. سوره انعام آیه ۱۵۱: **الَّتِي تَشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا**

چیزی را با او شریک نگیرید و به پدر و مادر نیکی کنید.

۴. سوره اسراء ، آیه ۲۳ : **وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا**

پروردگارت مقرر داشت که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید

علامه طباطبایی قدس سره: مسئله احسان به پدر و مادر، بعد از مسئله توحید، واجب‌ترین واجبات است؛ هم‌چنانکه مسئله عقوق [عاق والدین شدن] بعد از شرک ورزیدن به خدا از بزرگترین گناهان کبیره است. (ترجمه المیزان، ج ۱۳، ص ۹۱)

در اسلام، در مورد احسان به والدین بسیار سفارش شده و از آزردن آنان نکوهش به عمل آمده است. پاداش نگاه رحمت به والدین، حج مقبول است. رضایت آن دو رضایت الهی و خشم آنان خشم خداست. احسان به پدر و مادر عمر را طولانی می‌کند و سبب می‌شود که فرزندان نیز به ما احسان کنند. احسان به والدین از صفات انبیاست.

۸ - با مردم خوب صحبت کنید

قرآن کریم دستور می‌دهد با همه‌ی مردم خوب صحبت کنید:

وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا (سوره بقره - آیه ۸۳)

و با مردم، به زبان خوش سخن بگویید.

نمی‌فرماید فقط با مسلمانان، یا مؤمنین، یا شیعیان یا گروه خاصی خوب برخورد کنید. بلکه می‌فرماید با همه‌ی مردم.

کلمه "ناس" یعنی همه مردم. جدای از رنگ پوست، جنسیت، دین و مذهب و...

برخورد خوب و گفتار نیکو، با همه‌ی مردم، مسلمان و غیر مسلمان، و دیندار و بی‌دین لازم است.

اخلاق اسلامی، انقلاب می‌کند.

تعداد کسانی که با اخلاق مسلمان شدند، خیلی بیشتر از کسانی است که با استدلال و دلیل و برهان مسلمان شدند.

ما باید با اعمال و رفتار و گفتار و برخوردمان مردم را به دین دعوت کنیم.

۹ - فرمانده کیست؟!

این یک قاعده کلی است، که خدا همه ما را با چیزهای مختلفی امتحان می‌کند:

وَلَتَبْلُوَنَكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ (سوره بقره - آیه

۱۵۵)

و قطعاً شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، زیان مالی و جانی، و کمبود محصولات آزمایش می‌کنیم و بشارت ده به استقامت کنندگان (در این حوادث و بلاها).

خَوْفٍ یعنی ترس.

جُوعٍ یعنی گرسنگی و تشنگی.

نُقِصَ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ زِيَانٌ مَالِيٌّ وَ جَانِيٌّ.

ماه رمضان یکی از آن ایامی است، که خدا ما را به وسیله‌ی «جوع» یا «گرسنگی و تشنگی» امتحان می‌کند.

چه امتحانی؟! که چی بشود؟!!

که فرمانده مشخص بشود.

بین برادر، خواهر گرامی

تا چند روز قبل که روزه نبودی، تو در خدمت شکمت بودی.

شکم می‌گفت: تشنه‌ام.

سریع بهش آب می‌دادی.

شکم می‌گفت: گرسنه‌ام.

سریع بهش غذا می‌دادی.

یعنی فرمانده شکم بود.

اما الان که روزه هستی.

شکم می‌گوید: گرسنه‌ام.

تو بهش می‌گویی: صبر کن!

شکم می‌گوید: تشنه‌ام.

تو بهش می‌گویی: صبر کن!

حتی فکر خوردن هم به سرت نمی‌زند.

یعنی الان فرمانده تو هستی، نه شکمت.

این امتحان‌ها برای این است که؛ اگر کسی خودش را در اختیار خدا و اراده‌ی الهی قرار بدهد، تحت ولایتِ

خدا قرار می‌گیرد و بنده‌ی خدا می‌شود.

که این بندگی، عین پادشاهی است.

با خدا باش، پادشاهی کن.

بی خدا باش، هر چه خواهی کن.

به همین دلیل آخر آیه، خدا به آنهایی که از این امتحان‌ها سربلند بیرون می‌آیند، بشارت می‌دهد:

وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ.

۱۰ - خسته نباشید

هر قدمی که برمی‌دارید، هر دلسوزی که می‌کنید، هر تلاشی که می‌کنید، پیش خدا محفوظ است.

حالا شاید من از شما تشکر بکنم یا نکنم...

آن چیزی که شما با نیت خوب انجام می‌دهید، پیش خدا محفوظ است.

قرآن می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ (سوره بقره - آیه ۱۵۸)

همانا خداوند (در برابر عمل آنها) سپاسگزار و دانا است.

خدای متعال، هم شکرگزار است، هم آگاه است.

ممکن است امثال من ندانیم که شما چقدر وقت صرف کردید، اعصاب گذاشتید، مایه گذاشتید و...

حتی اگر آدم نمک‌شناسی نباشیم، طبعاً وقتی ندانیم چقدر زحمت کشیدید، تشکر هم نمی‌کنیم؛

اما می‌خواهم بگویم؛ نارحت نشوید، خسته هم نشوید، چون خدا از زحمت‌هایی که کشیدید با خیر است و این لحظه لحظه‌هایی که وقت گذاشتید از بین نمی‌رود.

خدا همه‌ی کارهای ما را استنساخ می‌کند، یعنی ذره‌ذره‌اش نسخه‌برداری می‌شود.

هَذَا كِتَابُنَا يُنطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (سوره جاثیه - آیه ۲۹)

این است کتاب ما که به حق درباره شما سخن می‌گوید (و اعمال شما را بازگو می‌کند) همانا ما آنچه را انجام می‌دادید نسخه برداری و ثبت می‌کردیم!

بالاخره مُزد خستگی‌هایت را می‌گیری، واقعاً چقدر هم این مُزد دلچسب است، ارزش دارد بازهم تلاش کنی، به امید مُزدی که قرار است از خدا بگیری.

II - تنظیم کردن دوستی‌ها

بعضی‌ها خدا و چیزهای خدایی را دوست دارند، ولی بعضی‌ها «غیر خدا» را دوست دارند:

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَاداً يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ (سوره بقره - آیه ۱۶۵)

و بعضی از مردم معبودهایی غیر از خداوند برای خود انتخاب می‌کنند و آنها را همچون خدا دوست می‌دارند اما آنها که ایمان دارند، شدیدترین محبت‌شان به خداست.

آدم باید همیشه مراقب باشد که «چه چیزی» یا «چه کسی» را دوست دارد، چون با همانی که دوست دارد، محشور می‌شود.

پیامبر (ص) فرمودند:

لَوْ أَنَّ رَجُلًا أَحَبَّ حَجْرًا لَحَشَرَهُ اللَّهُ مَعَهُ (بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۳۸۳)

اگر کسی سنگی را دوست داشته باشد، خداوند او را با همان سنگ محشور می‌کند!

این جمله یعنی اینکه، هر کس با نوع دوست داشتنش:

سرنوشت خودش را معین می‌کند،

همنشین خودش را مشخص می‌کند،

میزان شعورش را آشکار می‌کند،

و رتبه و جایگاه خودش را در هستی نشان می‌دهد.

پس حواس مان باشد، دوستی‌های مان را چطور تنظیم می‌کنیم.

قرآن کریم به ما دستور می‌دهد، رزق «حَلال و طَیِّب» بخوریم:
يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلالًا طَيِّبًا (سوره بقره - آیه ۱۶۸)

ای مردم از آنچه در زمین است حلال و پاکیزه بخورید.

اما فرق بین «رزق حلال» و «رزق طَیِّب» چیست؟!

«طَیِّب» به چیزهای پاکیزه‌ای گفته می‌شود که با طبع و سرشت آدمی سازگار باشد، و حواس و نفس انسان از آن لذت ببرد.

یعنی «دلچسب و طبع‌پسند» باشد.

اما حلال و حرام به چه معناست؟!

«حَل» به معنای گشودن و باز کردن است. در زبان فارسی هم می‌گوییم حل کردن مسائل.

«حَلّ العُقَدَة» یعنی گره‌گشایی کردن.

«حَلال» یعنی چیزی که حق دیگران در آن نیست، و با حقوق دیگران مزاحمتی ندارد.

بعبارت دیگر، هیچ گره‌ی در آن نیست، و اتفاقاً گره‌ها را باز می‌کند.

«حرام» یعنی چیز گره‌دار، چیزی که از آن منع شده است.

مثلاً «لقمه‌ی حرام»، لقمه‌ای است که در زندگی، گره‌ها و مشکلاتی را برای فرد ایجاد می‌کند.

با این توضیح فرق بین «رزق حلال» و «رزق طَیِّب» مشخص شد:

ممکن است غذایی طیب و پاکیزه باشد، ولی حلال نباشد.

مثل برنج، یا نان، یا گوشتِ گوسفند، یا هر غذای پاک دیگری که از راه دزدی یا رشوه یا... به دست آمده باشد طیب و پاکیزه هست، ولی حلال نیست.

و برعکس، ممکن است غذایی حلال باشد، ولی طیب نباشد. و مطابق طبع، و سازگار با بدن انسان نباشد.

مثل چیپس و پُفک و فست‌فود و... که حلال هستند، ولی طیب نیستند.

حَلال یعنی پاک تشریحی. در شریعت و دین پاک است.

طَیِّب یعنی پاک تکوینی. در عالم طبیعت پاک است.

هر چیزی که حلال هست، یعنی مجاز هستیم که بخوریم.

ولی سفارش نشده که حتماً بخوریم.

قرآن به ما دستور می‌دهد آن حلال‌هایی را بخوریم که طیب باشند، یعنی با بدن ما سازگار باشند.

مثلاً در بین چهارپایان، گوشت خیلی از چهارپایان برای ما حلال هست، ولی همه آنها طیب نیستند.

ما را سفارش کردند که گوشت گوسفند و گاو و شتر بخوریم. چون اینها طیب و پاکیزه هستند.

اگر می‌خواهیم رشد معنوی کنیم باید غذا خوردن خودمان را درست کنیم، و فقط غذاهای «حلال و طیب» بخوریم.

به همین خاطر در دعاها به ما یاد دادند که بگوییم:

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا رِزْقًا حَلَالًا طَيِّبًا وَاسِعًا

خدایا! رزق و روزی ما را حلال، طیب و پاکیزه، و وسیع قرار بده.

الهی آمین

۱۳ - نان و خفّاش

فرض کنید صبح می‌خواهید بروید مدرسه، دانشگاه، یا سر کار... آن وقت مامان یا خانمت یک لقمه برای نهار شما می‌گذارد توی کیفیت.

وقتی بعد از کلی کار و درس، لقمه را در می‌آوری که بخوری، می‌بینی به به...!

نهار نان و خفّاش است!

از بالاش سر خفّاش بیرون زده، و از پایینش هم پاهای بلوریش.

حالت بهم خورد؟!!

بیخشید. اما بعضی‌ها هستند در کشورهای دیگر، که عاشق این غذاها هستند.

صبحانه‌شان موش و قورباغه است.

نهارشان اختاپوس زنده.

میان وعده‌شان سوسک سرخ شده، و کرم‌های چاق و چله.

و شام‌شان هم گربه و سگ شکم‌پُر.

اما من و تو، تصور این چیزها هم حال‌مان را بهم می‌زند.

می‌دانی چرا؟!!

چون ما تربیت شده‌ی مکتب قرآن و اهل بیت (ع) هستیم.

ما تربیت شده‌ی آن مکتبی هستیم که برای لقمه‌های ما هم برنامه دارد.

و کلی آداب و دستور دارد، تا یک لقمه غذا برسد به معده‌ی ما.

همان خدایی که به ما دستور داده هر چیزی را نخوریم.

بلکه فقط چیزهای پاکیزه که خودش گفته بخوریم:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ (سوره بقره - آیه ۱۷۲)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید از نعمت‌های پاکیزه‌ای که به شما روزی داده‌ایم بخورید.

۱۴ - لقمه‌ی حرام

قرآن کریم می‌فرماید:

وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ (سوره بقره - آیه ۱۸۸)

و اموال یکدیگر را به باطل (و ناحق) در میان خودتان نخورید.

بسیاری از گناهان حاصل لقمه‌ی حرام است.

لقمه‌ی حرام باطن آدم را خراب می‌کند، و اثر خودش را، در اعمال فرد نشان می‌دهد.

به قول شاعر:

از کوزه همان برون تراود که در اوست.

لقمه‌ی حرام حتی باعث می‌شود که آدم، امام خودش را بکشد.

امام حسین (ع) روز عاشورا به لشکر دشمن فرمود: این که شما سخن من را گوش نمی‌کنید و می‌خواهید

من را بکشید، یکی از دلایلش این است که:

مَلَأْتُ بُطُونَكُمْ مِنَ الْحَرَامِ فَطَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِكُمْ (بحارالانوار، جلد ۴۵، صفحه ۸)

شکم‌های‌تان از حرام پر شده، در نتیجه خداوند بر دل‌های شما مهر زده است، (و هرگز حقایق را درک نمی‌کنید!).

نکته مهم این است که، تا می‌گوییم لقمه‌ی حرام. بعضی‌ها فکر می‌کنند یعنی از دیوار مردم بالا رفتن و دزدی کردن.

نخیر.

هر کسی در هر کاری که به شما واگذار کرده، و در قبال آن کار دارد پول می‌گیرد، به میزانی که از کارش کم بگذارد، به همان میزان دارد لقمه‌ی خودش را خراب می‌کند:

کارمندی که از کارش می‌زند.

مدیر و مسئولی که کم‌کاری می‌کند. معلمی که برای دانش آموزانش کم می‌گذارد. مغازه‌داری که ترازویش بالا و پائین می‌شود.

و...

همه دارند لقمه‌ی خودشان را خراب می‌کنند.

بیشتر حواس‌مان به نانی که سر سفره‌های‌مان می‌بریم باشد.

فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ (سوره عبس - آیه ۲۴)

پس باید انسان به غذای خود بنگرد.

۱۰ - صدقه دادن

با پیرمرد مؤمنی، در مسجد نشسته بودم. زن جوانی صورت خود گرفته بود و برای درخواست کمک داخل خانه‌ی خدا شد. پیرمرد مؤمن، دست در جیب کرد و اسکناس ارزشمندی به زن داد. دیگران هم دست او را خالی رد نکردند و سکه‌ای دادند.

جوانی از او پرسید: پول شیرین است چگونه از این همه پول گذشتی؟ سکه‌ای می‌دادی کافی بود! پیرمرد تبسمی کرد و گفت: پسر صدقه، هفتاد نوع بلا را دفع می‌کند. از پول شیرین‌تر، جان و سلامتی من است که اگر این‌جا، از پول شیرین نگذرم، باید در ساختمان پزشکان بروم و آن‌جا از پول شیرین بگذرم و شربت

تلخ هم روی آن بنوشم تا خدا سلامتی شیرین من را برگرداند! بدان که از پول شیرین تر، سلامتی، آبرو، فرزند صالح و آرامش است.

به فرمایش حضرت علی(ع) چه زیاد است عبرت و چه کم است عبرت گیرنده. (نهج البلاغه، حکمت

۲۹۷)

وَأَنْفَقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (سوره بقره - آیه ۱۹۵)

و در راه خدا انفاق کنید و (با ترک انفاق)، خود را به دست خود به هلاکت نیاندازید و نیکی کنید که خداوند نیکوکاران را دوست می دارد.